

در حاشیه‌ی نشست‌های بی‌نتیجه‌ی شورای عالی کار، برای تعیین دستمزد سال ۱۴۰۳ سفره‌ی کارگران ایران در آغاز سال نو، همچنان خالی است!

امیر جواهری لنگرودی



افطاری آقایان روبراه است و سفره‌ی زحمتکشان در سطل‌های زباله‌های خالی!

در حالی که کمتر از ۵ روز تا آغاز سال ۱۴۰۳ باقی مانده است، قلب لایه‌های گوناگون اردوی میلیونی کارگران در انتظار تعیین نرخ دستمزد برای سال پیش‌رو، همچنان پرتپش می‌زند. از یک سو هنوز حقوق‌های عقب افتاده کارگران با وجود دشواری شرایط زندگی، پرداخت نشده و پاس‌گجویی به مشکلات آن‌ها نیست و از دیگر سو کمبودها، زندان بودن یگانه نان آور خانواده و کسری دستمزدها و بالا بردن هزینه‌ی درمان، دوران طاقت فرسای قول و قرارهای مسئولان دولتی در کنار بیکاری میلیونی، فلاکت نظام تولید و بحران اقتصادی حاکم بر جامعه، همه و همه در برابر تورم افسار گسیخته در سالی که به قول خامنه‌ای رهبر دغلباز جهان اسلام قرار بود "مهار تورم و رشد تولید" باشد، باعث شده تا این نگرانی هر روز بیشتر از روز گذشته دهن باز کند. چرا؟

روشن است؛ ساز و کار راهبردی تئوری «سه جانبه‌گرایی» که در اسناد سازمان جهانی کار (I.L.O) از آن یاد می‌شود، در ایران تماماً در سیمای دولت به مثابه‌ی بزرگترین کارفرما تجلی یافته و کارفرماهای حاضر در «کمیته‌ی دستمزد شورای عالی کار» در کنار نمایندگان خود برگزیده‌ی کارگری، ستون واحدی از حاکمیت‌اند که در برابر کلیت نیروی رنج و کار جامعه‌ی ما مانند نمایی یک جانبه جلوه می‌نمایند. چرا که هر ساله این سه به نام نماینده، در دل نشست و برخاست‌هایی غیرعلنی پشت درهای بسته‌ی شورای عالی کار، پرونده‌ی مزدی را با این توافق و وعده که در سال بعد تلاش خواهند کرد، شکاف مزدی کنونی درون جامعه را برطرف کنند، خاتمه داده و شورای عالی کار را ترک می‌کنند.

آنچه در این میانه مهم و قابل توجه است، اینکه در مقام تعیین نرخ واقعی دستمزد، نمایندگان منتخب خود طبقه‌ی کارگر کشور حضور ندارد و آنانی که به نیابت از این طبقه در ترکیب موسوم به «سه جانبه» به چانه زنی مشغولند، هیچ ربطی به کارگران، منافع و استمرار امنیت شغلی کارگران کشور ندارند تا بتوانند با تعیین نرخ واقعی دستمزد، امنیت شغلی کارگران را ارتقاء دهند. همه خود برگزیده و از غربال و صافی نهادهای امنیتی حکومت گذشته‌اند؛ عرض خود می‌برند و زحمت طبقه‌ی ما می‌دارند!

شواهد موجود نشان می‌دهد که تا «علی خدایی»، قدیمی‌ترین عضو به اصطلاح کارگری شورایی‌عالی کار - که به بهانه‌ی غیبت، به فرمان وزیر کار از ترکیب نمایندگان اخراج و حذف گردید - به ادامه‌ی کار دعوت نگردد، ملاک داوری و فعالیت سایر نمایندگان به حضور او وابسته است و هنوز که هنوز است بر آن پای می‌کوبند و وزیر کار نیز بر تصمیم اخراج او پای می‌فشارد. همه‌ی آنان می‌خواهند لنگان لنگان خرک خویش به مقصد برسانند و بر سر آنند: «تا "سبد معیشت" نهایی نشود به مذاکره‌ی دستمزد ورود نمی‌کنیم». (خبرگزاری ایلنا؛ آیت اسدی، عضو کارگری شورایی‌عالی کار ۲۳ / ۱۲ / ۱۴۰۲) دو روز بعد وزیر کار سید صولت مرتضوی آب پاکی را روی دست این نمایندگان خود برگزیده ریخته و با قیافه‌ی حق به‌جانبی بر زبان راند که: «قانون‌گذار گفته است انستیتو تغذیه باید مشخص کند، هر نظری را که انستیتو تغذیه (که قانون‌گذار تعیین کرده) مشخص کند "علی رأسی و عینی" است» و درباره‌ی این که برخی از نمایندگان مجلس عنوان کرده‌اند کف سبد معیشتی کارگران ۲۵ میلیون تومان است و تعیین دستمزد باید با توجه به این امر صورت گیرد؛ گفت: «مصوبه‌ای در این خصوص وجود دارد؟ من چنین خبری ندارم. امکان دارد در این خصوص کسی اظهار نظری کرده باشد، در کشور ما یکی از محاسن این است که اظهار نظر آزاد است و هر کسی می‌تواند اظهار نظر کند، اظهار نظر یک نماینده یا یک فرد، ملاک عمل نیست اگر مجلس قانونی را تصویب کرده باشد، حتماً ما روی چشم‌مان قرار می‌دهیم...» وزیر کار خاطر نشان کرد: «در انستیتو تغذیه آدم‌های صاحب‌نظر و دانشمند حضور دارند، می‌نشینند بررسی می‌کنند و بعد اعلام نظر می‌کنند و آن چیزی که اعلام کنند، ملاک عمل خواهد بود» (خبرگزاری ایلنا؛ سیدصولت مرتضوی ۲۵ / ۱۲ / ۱۴۰۲)

اینکه این آدم‌های صاحب‌نظر و دانشمند کیانند و چگونه در چنین موقعیتی جای گرفتند معلوم نیست؟ اما مشخص است که آن‌ها - مانند اسلافشان در نظام‌های فاشیستی - از جایگاه طبقاتی خود، علم و دانش را در خدمت قدرت و علیه طبقه‌ی کارگراستفاده می‌کنند. تو گویی این پرسش‌ها به بیش از ۴۰ میلیون کارگر و خانواده‌هایشان ربطی نداشته و ندارد. جفت و تک این نوع ادعای مجلسیان منتخب آقا، نمایندگان از صافی گذشته‌ی کمیته‌ی تعیین دستمزد و وزیر کار دولت ورشکسته‌ی ابراهیم رئیسی، همه یک کرباسند. جماعتی خود برگزیده که نه در نزد نمایندگان کارفرمایان و نه دولت، محققند و صاحب استقلال نظر، معلوم هم نیست که به درد چه کاری می‌آیند؟ در این بازی خود مشغول کن، دولت اسلامی به مثابه بزرگترین کارفرما، در کنار نمایندگان کارفرمایان، خود یک دسته‌ی واحدند و نمایندگان خود برگزیده‌ی کارگری دردل شورا را، به هیچ می‌گیرند. در این رابطه «محسن باقری، نماینده کارگران در شورایی‌عالی کار، با اشاره به بی‌نتیجه ماندن جلسه‌ی پنجشنبه ۲۴ اسفند شورایی‌عالی کار گفت: «با زیرمیز زدن نمایندگان دولت، جلسه‌ی روز گذشته‌ی شورایی‌عالی کار بی‌نتیجه ماند» و ادامه

داد: «آقایان حتی حوصله‌ی شنیدن حرف‌های نمایندگان کارگری را ندارند. به هیچ عنوان نظرات ما را نپذیرفتند و متأسفم که بگویم برخورد خوبی با نمایندگان کارگری در شورایعالی کارنشده...» (خبرگزاری ایلنا، محسن باقری، نماینده کارگران در شورایعالی کار ۲۴ / ۱۲ / ۱۴۰۲) بنابراین اجزای این نشست پرسر و صدای سالانه و جلسات هزینه‌بر، وقت تلف‌کن و پشت درهای بسته و پنهان از چشم تشکل‌های کارگری مستقل و توده‌ی کارگران غیر متشکل، جزیک‌جانبه‌نامه‌ی شدن، به‌سان بادکنکی است که آن‌را هوا می‌کنند تا قاعده بازی را در بساط تئوری سه‌جانبه‌گرایی مورد پذیرش سازمان جهانی کار (ILO) موجه جلوه دهند و آن‌را به شکل صوری مورد پذیرش سازمان یاد شده ارتقاء دهند.

واری روزشمار کارگری پیرامون تعیین نرخ دستمزد نشان می‌دهد که دولت ابراهیم رئیسی از مجموعه روش‌هایی که در سال ۱۴۰۱ برای سرکوب دستمزد به کار رفت، همچون تأخیر در تعیین سبد معیشت کارگران و موکول کردن مذاکرات شورایعالی کار به روزهای پایانی سال، در سال ۱۴۰۲ نیز استفاده می‌کند و در تمامی سال نیز با پیش کشیدن «طرح منطقه‌ای کردن دستمزد» که از سری پیشنهادات اتاق بازرگانی سربرآورده بود، و به کاهش شدید دستمزد کارگران غیرتهرانی می‌انجامد را در مقابل مخالفت تشکل‌های مستقل کارگران، مجبوره عقب نشینی شدند و در جلسه‌ی ۱۵ اسفند، بحث منطقه‌ای کردن سبد معیشت کارگران را مطرح کردند و در خطوط عمومی باید گفت: امسال نیز به عین همان شیوه را به خدمت گرفته و بازنگری بر تعیین رقم دستمزد را به جلسه شنبه ۲۶ اسفند واگذار کرده است.

می‌توانم بگویم: «گروه کارگری» شورایعالی کار که از منتخبین خودی‌اند و از صافی امنیتی و اطلاعاتی نظام عبور کردند، کمترین ارتباطی با نمایندگان تشکل‌های مستقل کارگری، سندیکاها و تشکل‌های بازنشستگان و گروه‌های کارگران پیمانی نفت، گاز، پتروشیمی و ذوب آهن و فولاد، پرستاران و بخش درمانی و دیگر گروه‌های کارگری کشور ندارند، طرح‌هایی اینان هیچ دردی از حجم زخم‌های معیشتی نیروی کار کشور را درمان نمی‌کنند. جمع‌بندی نظرات این دسته چنین نشان می‌دهد که اولاً هیچ نقشه و راهکار عملی مستقلی برای تبدیل نارضایتی عمیق معیشتی موجود اکثریت عظیم آحاد جامعه به یک جنگ موضعی طبقاتی بر سر حداقل دستمزد و تمرکز سازمان‌گرانه با هدف ایجاد ساز و کار بدیل آن در برابر کل نمایش سالانه سه‌جانبه‌گرایی در فصل چانه‌زنی‌های مزدی، ندارند. ثانیاً در مباحث دستمزد به همان سیاق گذشته، اساساً به دنبال تبدیل فعالین و کنشگران کارگری و تشکل‌های مستقل به ابزار «فشار ازپائین» در حین «چانه‌زنی در بالا»، همسو با آقایان دیگر گروه‌ها هستند. نباید فراموش کرد بر بستر بحران عمومی اقتصادی حاکم بر جامعه و کل حیات اردوی کار، امروز هیچ جناحی در حاکمیت وجود ندارد که حاضر گردد، حتی دستمزدی که شرایط یک زندگی بخور و نمیر نیروی کار جامعه را تأمین کند را در دستور کار خود داشته باشد.

با مراجعه روزانه به روزشمار کارگری می‌توان دریافت، هنوز نتوانستند زبان واحدی پیدا کنند. از این‌رو گزارش‌های رسمی و نیمه رسمی، شواهد و قرائن موجود، در خصوص حداقل دستمزد، سناریوی عدم توافق در شورایعالی کار را برای امسال هم محتمل می‌سازد. ولی یک نکته روشن است با توجه به تورم بالا که لحظه به لحظه و نقطه به نقطه شده و حول اساسی‌ترین کالای مصرفی مردم (نان، گوشت، شکر، مرغ، روغن، برنج، چای، پنیر، نخود،

ماست، سبزیجات، میوه، زغال، سیگار و کبریت، پوشاک، کفش و مسکن، آب و برق...) در کل حیات جامعه، شکاف میان مزد و هزینه‌های ضروری، معیشت روزمره در حدی است که حتی اگر دستمزدها صد درصد و یا دو برابر افزایش یابد، باز هم نمی‌تواند تامین کننده هزینه‌ها و نیازهای جامعه کارگری کشور و زندگی آنان گردد.

یک پرسش اساسی باقی می‌ماند، چه باید کرد یا چه می‌توان کرد؟

افزایش تورمی که مدام در حال حرکت و رو به جلو است در برابر دستمزد فیکس و ثابت و قیمت بالارونده مایحتاج اولیه (خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، روغن‌ها و چربی‌ها، میوه و خشکبار، گوشت و سبزیجات و هزینه‌های روزمره زندگی مانند مسکن، آب و برق و...) لحظه به لحظه و نقطه به نقطه بالا کشیده می‌شود. نمایندگان کارفرمایی و دولتی در شورایی عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد خود را آویزان آمارهایی مانند آمارهای بانک مرکزی و اخیراً هم انستیتو تغذیه می‌کنند، اما نمایندگان کارگری شورایی عالی کار، ارجاع به این آمارها را نمی‌پذیرند. آن‌ها از حدت یابی اعتراضات متشکل کارگران و تحرکات سازمان یافته و سراسری معلمان و بازنشستگان می‌ترسند.

در این میان بحث بر سر این نیست که روی عدد و رقمی توافق و اعلام شود یا نشود. مسئله عبارت از این است که آیا اساساً تعیین و ابلاغ رقمی معین را می‌توان به اهرمی برای مبارزه‌ی دستمزد در همی سال تبدیل کرد یا نه؟

اساسی‌ترین وجه کار این است، با توجه به سرکوب مستمر مزدی در شرایط کنونی بی‌ثباتی اقتصادی اگر بناست که کمیته‌ی تعیین دستمزد شورایی عالی کار دستمزد کارگران را با همین روش غیر اصولی تعیین کند، بحث دستمزد و فعالیت آن باید متناوباً و بحثی برای تمام سال شود. به عبارتی باید بتوانیم بحث در مورد افزایش حداقل دستمزد را به بحثی برای تمام طول سال و نه فقط ماه‌های بهمن و اسفند تبدیل کنیم. از این رو ایجاد سازماندهی برای اعتراضی دراز مدت و تداوم بخشیدن به بحث دستمزد در طول سال، امروز بیش از هر موقعی لازم و تعیین کننده خواهد بود. چنین سازماندهی از نمایندگان مستقل، برگزیده و منتخب نیروی کارگری زنان و مردان، معلمان، سازمانیابی و جهت گیری عمومی بازنشستگان کشوری، لشکری، فرهنگی، فولادی و تامین اجتماعی و اتحاد عمل آنان، پرستاران و بخش درمانی، کار ورزان قلم و اندیشه، معلولان، محرومان شهری و روستایی، کودکان خیابانی کار، کولبران و سوختبران، دستفروشان و مال باختگان و اردوی میلیونی بیکاران امروز که کارگران شاغل دیروزند و عموم آحاد اردوی کار، فقط با اعتراض و اتحاد بزرگ مطالباتی همی بخش‌های مطالبه‌گر است که می‌تواند مقابل سمت گیری‌های ریاضت و فقر گستر رژیتم آدمی‌خوار جمهوری اسلامی بایستد و آن‌را به عقب نشینی وا دارد. همی اینان به شکل توأمان و در اشل سراسری چنانچه به هم آیند، می‌توانند بخش‌های مختلف اردوی کار را برای این راهبرد مبارزاتی پوشش و پیوند دهند. نمی‌توان گفت باید در ایران صبر کرد تا اول انقلاب شود بعد طبقه به دستمزد شایسته خود برسد. مبارزه‌ی روزانه برای دستمزد بدون حرکت برای سرنگونی و برعکس، حرکت در جهت سرنگونی بدون مبارزات روزانه امکان ندارد. در استمرار این مبارزه همواره باید به حذف و پایان بخشیدن به شرکت‌های پیمانکاری واسطه‌ای

فکرکرد؛ از یاد نبرد که تشکل نیرو ایجاد می‌کند و یا متشکل شدن آنان، می‌تواند پیگیری کارگران را تضمین کند و در این پیکار از خود کارگران بیاموزیم. آن‌ها چه می‌گویند؟ با توجه به تشدید بحران اجتماعی و اقتصادی، حدت سرکوب‌ها در سراسر جامعه، باید در مسیری حرکت کنیم که بشود مسئله‌ی حداقل دستمزد و چگونگی مبارزه برای افزایش آن را به حلقه‌ای برای ایجاد همگرایی و همبستگی گسترده ترویج و تقویت هسته‌ی اصلی مبارزه‌ی طبقاتی به پیکره‌ی اصلی نبرد امروزمان بدل سازیم، چرا که فردا خیلی دیر است!

جمعه ۲۵ اسفند ۱۴۰۲ برابر با ۱۵ مارس ۲۰۲۴

andishe.gbg@hotmail.com